



شخصیت در بزرگسالی

نظریه پنج عاملی

به پیوست دو فرم آزمون پنج عاملی دو (کوتاه و بلند) و نمره گذاری آن

مؤلفان
مک کرا و کاستا

مترجمان
دکتر مسعود جان بزرگی و دکتر مبین صالحی

ویراستار علمی
دکتر رحمت الله نورانی پور



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
زمستان ۱۳۹۷

مک‌کرا، رابرت، ۱۹۴۹- .
شخصیت در بزرگسالی؛ نظریه پنج‌عاملی / مسعود جان‌بزرگی و مبین صالحی / مؤلفان: مک‌کرا، کاستا؛
مترجمان: مسعود جان‌بزرگی، مبین صالحی، با همکاری دانشجویان گروه دوم دوره دکترای پژوهشگاه حوزه و
دانشگاه؛ ویراستار علمی: رحمت‌الله نورانی‌پور. — قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷.
هشت، ۳۴۴ص: نمودار و جدول. — (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۴۶۱: روان‌شناسی؛ ۴۴)
ISBN: 978-600-298-236-0
بها: ۲۶۵۰۰ تومان
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. [۲۹۳]–۳۲۴.
نمایه.
۱. شخصیت — عوامل سنی. ۲. بلوغ (روان‌شناسی). ۳. بزرگسالان — روان‌شناسی. الف. کاستا، پل. ب.
جان‌بزرگی، مسعود، ۱۳۴۰- ، مترجم. ج. صالحی، مبین، ۱۳۵۸- ، مترجم. د. نورانی‌پور، رحمت‌الله،
ویراستار. ه. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. و. عنوان.
۱۳۹۷ م ۶۹۸/۹/ع ۶ / ۱۵۵
شماره کتابشناسی ملی
۵۴۵۲۹۱۹



شخصیت در بزرگسالی؛ نظریه پنج‌عاملی

مؤلفان: مک‌کرا و کاستا

مترجمان: دکتر مسعود جان‌بزرگی و دکتر مبین صالحی (با همکاری دانشجویان گروه دوم دوره دکترای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

ویراستار علمی: دکتر رحمت‌الله نورانی‌پور

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۷

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۲۶۵۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۳۲۱۱۱۱۰۰ - ۰۲۵ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمایر: ۳۲۸۰۳۰۹۰

ص.پ. ۳۱۵۱ - ۳۷۱۸۵ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

فروش اینترنتی: www.ketab.ir/rihu

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه السلام بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

این کتاب به عنوان متن درسی و کمک درسی برای دانشجویان دوره های روان شناسی و مشاوره در مقطع لیسانس تا دکترا تهیه شده است و واجد پژوهش های ارزنده ای برای آنها است. امید است از آن برای تدریس و تولید ستون علمی فرهنگی - بومی استفاده شود.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می داند از مترجمان این اثر، دکتر مسعود جان بزرگی و دکتر مبین صالحی و دانشجویان همکار و همچنین از ویراستار علمی آن، دکتر رحمت الله نورانی پور، تقدیر و سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

۱	درباره نویسندگان
۳	مقدمه مترجمان
۹	مقدمه مؤلفان
۱۱	فصل اول: حقیقت‌ها و نظریه‌های تحول بزرگسالی
۱۵	۱-۱. تغییر عقیده درباره ثبات شخصیت
۱۸	۲-۱. در جستجوی یک پدیده
۲۱	۳-۱. اشاره‌ای به روان‌درمانگری
۲۲	۴-۱. زمان شروع بزرگسالی
۲۴	۵-۱. دیدگاه‌های دیگر: نظریه‌های تغییر
۳۵	فصل دوم: رویکرد رگه به شخصیت
۳۷	۱-۲. دیدگاه‌هایی درباره ماهیت انسان
۴۰	۲-۲. اصول اساسی روان‌شناسی رگه
۴۶	۳-۲. چند رگه و کدام رگه‌ها؟
۴۹	۴-۲. کاوش برای نظامی یکپارچه
۵۲	۵-۲. زبان طبیعی و الگوی پنج‌عاملی
۵۷	فصل سوم: اندازه‌گیری شخصیت
۵۷	۱-۳. از مفاهیم تا داده‌ها
۶۱	۲-۳. خودگزارش‌دهی‌ها و درجه‌بندی‌های مشاهده‌گران
۶۱	۳-۳. درجه‌بندی‌های مشاهده‌گر
۶۴	۴-۳. مقیاس‌های روایی
۶۷	۵-۳. یک ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه‌ای: پرسشنامه شخصیت NEO
۷۰	۱-۵-۳. ابعاد E و O
۷۳	۲-۵-۳. ابعاد A و C

۷۴	۶-۳. متمایزسازی
۷۵	۷-۳. جامعیت الگوی پنج‌عاملی
۸۳	فصل چهارم: پژوهش درباره رشد یا زوال شخصیت
۸۴	۱-۴. مطالعات مقطعی تفاوت‌های شخصیت
۸۸	۲-۴. سوگیری نمونه‌گیری
۹۱	۳-۴. تأثیرات دوره‌ای
۹۴	۴-۴. طرح‌های طولی: ردیابی تغییرات در طول زمان
۹۵	۵-۴. ثبات در 16PF
۹۸	۶-۴. راهبردهای زنجیره‌ای
۹۸	۱-۶-۴. پرهیز از اثر تمرین و زمان
۱۰۲	۲-۶-۴. رویکردی یکپارچه
۱۰۷	۷-۴. تحولات اخیر
۱۰۷	۱-۷-۴. تغییرات کوچک و آهسته
۱۰۹	۲-۷-۴. راز دیگر
۱۰۹	۳-۷-۴. تحلیلی متفاوت
۱۱۱	۸-۴. دلالت‌های ضمنی: ابطال برخی افسانه‌های سالمندی
۱۱۳	فصل پنجم: دیدگاه‌های بین‌فرهنگی درباره شخصیت و افزایش سن
۱۱۶	۱-۵. ساختاری جهانی
۱۱۸	۲-۵. تحول بزرگسالی در میان فرهنگ‌ها
۱۲۲	۳-۵. پیشینه، فرهنگ و مقایسه‌های مقطعی
۱۲۶	۴-۵. برخی تفسیرهای ممکن
۱۲۸	۵-۵. شواهد بین‌فرهنگی در مورد ثبات
۱۳۱	فصل ششم: سیر تحول شخصیت در فرد
۱۳۱	۱-۶. دو پرسش متفاوت: ثبات و تغییر در گروه‌ها و افراد
۱۳۴	۲-۶. الگوهای تحولی در افراد
۱۴۰	۳-۶. بررسی مسیر رگه‌های شخصیت
۱۴۳	۴-۶. شواهد طولی
۱۴۸	۵-۶. مسیر زمانی ثبات
۱۵۳	فصل هفتم: ثبات بازنگری‌شده شرایط لازم و فرضیه‌های رقیب
۱۵۳	۱-۷. موضوعات روش‌شناختی در سنجش ثبات
۱۵۷	۲-۷. خودپنداشت و ثبات
۱۶۰	۳-۷. تبیین پراش و تصحیح ناپایانی
۱۶۲	۴-۷. مروری بر گذشته و تغییر خود ادراک‌شده

۱۶۷	۵-۷. تعدیل‌کننده‌های تغییر
۱۶۷	۶-۷. ویژگی‌های روان‌شناختی
۱۶۹	۷-۷. رویدادهای زندگی
۱۷۱	۸-۷. سلامت جسمی و روانی
۱۷۳	۹-۷. مطالعات موردی دربارهٔ ثبات
۱۷۶	۱۰-۷. تلویحات: برنامه‌ریزی برای آینده
۱۷۹	فصل هشتم: دیدگاهی متفاوت
۱۷۹	۱-۸. روان‌شناسی‌های من و روش‌های فرافکن
۱۸۰	۲-۸. روان‌شناسی‌های پویشی یا من
۱۸۲	۳-۸. توالی‌های تحولی
۱۸۴	۴-۸. خصلت‌های پویشی
۱۸۵	۵-۸. مقایسه رگه‌ها با فرایندهای من
۱۸۵	۶-۸. تعارض و حل آن
۱۸۷	۷-۸. سازمان‌یافتگی موقت
۱۸۸	۹-۸. تفاوت‌های فردی در فرایندهای من
۱۸۹	۱۰-۸. رگه‌ها و فرارگه‌ها
۱۹۱	۱۱-۸. تغییرات تحولی در فرایندهای من
۱۹۳	۱۲-۸. سنجش‌های فرافکنانه شخصیت
۱۹۵	۱۳-۸. مشکلات روش‌های فرافکن
۱۹۸	۱۴-۸. عناصر هشیار در برابر عناصر ناهشیار
۲۰۰	۱۵-۸. آزمون‌گری فرافکن و ثبات شخصیت
۲۰۰	۱۶-۸. آزمون‌های لکه جوهر
۲۰۲	۱۷-۸. مطالعات TAT
۲۰۵	۱۸-۸. سن و خودپنداشت ارجحالی
۲۰۹	فصل نهم: تحول بزرگسالی براساس مصاحبه شخصی
۲۱۳	۱-۹. شکل و محتوا در مصاحبه‌های روان‌شناختی
۲۱۵	۲-۹. نظریه‌های مصاحبه‌محور تحول بزرگسالی
۲۱۶	۳-۹. فصل‌های لوینسون
۲۱۹	۱-۳-۹. آیا این الگو همگانی است؟
۲۱۹	۲-۳-۹. آیا این الگو ذاتاً مرتبط با سن است؟
۲۲۰	۳-۳-۹. آیا این الگو ناپیوسته است؟
۲۲۱	۴-۳-۹. آیا این الگو تغییر شخصیت است؟
۲۲۲	۵-۳-۹. آیا این الگو تحولی است؟
۲۲۳	۶-۳-۵. دگرگونی‌های گولد
۲۲۷	۴-۹. در جستجوی بحران میانسالی

۲۳۳	فصل دهم: نظریه پنج‌عاملی شخصیت
۲۳۴	۱-۱۰. پیدایش یک نظریه
۲۳۶	۲-۱۰. نظریه پنج‌عاملی
۲۳۶	۱-۲-۱۰. مؤلفه‌های نظام شخصیت
۲۳۹	۲-۲-۱۰. اصول موضوعه FFT: این نظام چگونه کار می‌کند
۲۴۳	۳-۲-۱۰. خاستگاه‌های رگه‌ها
۲۴۳	۴-۲-۱۰. وراثت‌شناسی
۲۴۶	۳-۱۰. سایر تأثیرات زیست‌شناختی
۲۴۷	۴-۱۰. شواهد متعارض
۲۴۸	۵-۱۰. تحول رگه و FFT
۲۵۱	۶-۱۰. تغییرات در تفاوت‌های فردی
۲۵۲	۷-۱۰. ارزیابی نظریه پنج‌عاملی
۲۵۹	فصل یازدهم: آثار شخصیت بر سیر زندگی
۲۶۰	۱-۱۱. تغییرات کدامند؟
۲۶۱	۲-۱۱. زندگینامه عینی
۲۶۳	۳-۱۱. سازش‌یافتگی‌های منشی
۲۶۳	۴-۱۱. نگرش‌ها و ارزش‌ها
۲۶۴	۵-۱۱. نقش‌های اجتماعی
۲۶۷	۶-۱۱. روابط بین فردی
۲۶۹	۷-۱۱. خودپنداشت
۲۷۰	۸-۱۱. مطالعه ساختار و فرایند زندگی
۲۷۳	۹-۱۱. سازگاری روانی در سرتاسر دوران زندگی
۲۷۶	۱۰-۱۱. طرح‌های شخصی، زمان‌بندی اجتماعی و زندگینامه روان‌شناختی
۲۸۰	۱۱-۱۱. ازدواج و طلاق
۲۸۲	۱۲-۱۱. مشاغل
۲۸۵	۱۳-۱۱. آثار رگه‌ها بر خودپنداشت
۲۸۵	۱۴-۱۱. هویت
۲۸۹	۱۵-۱۱. روایت زندگی
۲۹۳	منابع و مأخذ
۳۲۵	پیوست‌ها
۳۴۲	نمایه‌ها

درباره نویسندگان

دکتر روبرت مک‌کرا:^۱ او روان‌شناس و پژوهشگر در مرکز پژوهشی پیری‌شناسی^۲ مؤسسه ملی سالخورده‌گی است. وی دکترای خود را در روان‌شناسی شخصیت در سال ۱۹۷۶ از دانشگاه بوستن دریافت کرد. از آن زمان تاکنون پژوهش‌هایی را در حوزه ساختار، ارزیابی و تحول شخصیت را داشته است. از کارهای جدید او می‌توان به مطالعات بین‌فرهنگی شخصیت اشاره کرد. او نویسنده و همکار بیش از ۲۵۰ مقاله و فصول کتاب‌های مختلف به‌خصوص با همکاری کاستا بوده است. او نویسنده پرسشنامه پنج‌عاملی شخصیت (NEO) است.

دکتر پال. تی. کاستا:^۳ او رئیس آزمایشگاه شخصیت و شناخت «مؤسسه ملی برنامه پژوهشی داخلی در بزرگسالی» در بالتیمور مریلند است. علاقه اصلی وی، مطالعه ساختار و سنجش شخصیت و نیز تحول در دوران زندگی، آسیب‌شناسی روانی، و نورویولوژی پایه شخصیت بوده است. او نویسنده یا همکار نویسنده بیش از سیصد مقاله و فصل کتاب بوده و به عنوان رئیس شاخه پنج و بیست انجمن روان‌شناسی آمریکا (APA) و نیز در انجمن پژوهش در شخصیت، و انجمن بین‌المللی مطالعه تفاوت‌های فردی خدمت کرده است.

تحقیقات طولی شخصیت که در این کتاب آمده، بیشتر نتیجه تلاش مشترک گروهی از پژوهشگران برجسته و هزاران آزمودنی داوطلب در میان پژوهش‌ها بوده‌اند. برای این کتاب از گشاده‌دستی و تعهد مردان و زنان شرکت‌کننده در مطالعات طولی سالمندی مرکز بالتیمور بهره برده‌ایم. ما این کتاب را به آنها تقدیم می‌کنیم.

1. Robert R. McCrae

2. gerontology research center

3. Paul T. Costa, Jr.

مقدمه مترجمان

روان‌شناسی شخصیت را باید قلب علم روان‌شناسی دانست، زیرا همه فرایندهای مطالعات روان‌شناسی به‌نوعی با آن مربوط هستند. فرضی که ذهن روان‌شناسان را از آغاز به خود مشغول کرده، آن است که چگونه می‌توان انسان را شناخت به گونه‌ای که پیش‌بینی و کنترل رفتارش میسر یا آسان‌تر شود. رمز مدیریت انسان نسبت به خود و دیگری در پاسخ به این پرسش است. در گذشته، هنگامی که فردی می‌خواست مثلاً در تئاتر نقش دیگری را بازی کند باید از ماسک و لباس مخصوص استفاده می‌کرد؛ گرچه این نکته بیانگر ویژگی‌های منحصربه‌فرد هر انسانی است که آن را از دیگری متمایز می‌کند، اما کسی که از بیرون صحنه آن بازیگر را تماشا می‌کرد، علاقه‌مند بود که بداند شخص واقعی زیر آن ماسک چه کسی است؛ مانند جذابیت شناخت زندگی واقعی هنرپیشه‌های امروزی که نقل بسیاری از محافل عمومی است. پس از سویی، شناخت چهره واقعی انسان‌ها اهمیت دارد و از سوی دیگر، چنانچه ویژگی‌ها منحصربه‌فردند، چگونه می‌توان به ساخت ثابتی که درباره بیشتر انسان‌ها صادق است، پی برد؟ روان‌شناسی شخصیت همراه با توسعه روان‌شناسی همواره با چالش‌های مختلفی روبه‌رو بوده است. به‌ویژه، هنگامی که از تغییر و ثبات شخصیت از کودکی تا بزرگسالی و دوران کهولت سخن به میان آید، آنگاه باید از قوانین تحول و ثبات شخصیت سخن گفت.

کتاب «شخصیت در بزرگسالی» یکی از بهترین منابع در پاسخ‌دهی به برخی از پرسش‌ها از جانب افرادی است که عمر علمی خود را صرف این مطالعات کرده‌اند و نتیجه کار آنها هم در سطح کاربردی و هم در سطح نظری، کم‌نظیر بوده است. مطالب این کتاب به اندازه‌ای جذاب است که علاقه‌مندان به این حیطه را در بسیاری از زمینه‌ها اغنا و یا برای پیگیری مطالب بیشتر حساس می‌کند.

با توجه به رسالت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، مناسب بود که این کتاب برای استفاده بیشتر براساس منابع دینی و فرهنگی نقد و بررسی شود، اما چون بیشتر مطالب کتاب براساس یافته‌های پژوهشی و دارای ارزش علمی بالایی بود، بهتر دانستیم که این مهم با پژوهش‌های بومی (جای آن در این حیطه تقریباً خالی است)، انجام پذیرفته و در ویرایش‌های بعدی آورده شود. از این کتاب نیز می‌توان در درس‌های شخصیت، به‌ویژه در سطح کارشناسی ارشد و دکتری استفاده کرد و به عنوان کتابی مرجع در پژوهش‌های میدانی از آن بهره برد.

در ضمن، اشاره به برخی زمینه‌های بومی و فرهنگی در زمینه تبیین ثبات و تحول شخصیت در این مقدمه ممکن است زمینه پیگیری‌های بیشتری را از سوی پژوهشگران جوان فراهم کند؛ پرسش‌هایی که زمینه‌ساز تفکر درباره شخصیت است، بی‌شمار و زیادند، اما می‌توان به برخی از آنها اشاره کرد:

- شرط بلوغ و عقل برای جاری شدن احکام و تکالیف دینی، با ثبات و تحول شخصیت چه ارتباطی دارد؟

- انواع ریخت‌شناسی شخصیت در قرآن چگونه قابل شناسایی و ارزیابی است؟

- ثبات و تحول شخصیت چگونه در منابع دینی قابل تبیین است؟

- چگونه می‌توان ثبات و تحول شخصیت را با و بدون سازه‌های معنوی و مذهبی تبیین کرد؟

- سازه‌های معنوی، به‌ویژه ایمان به خدا چگونه بر ثبات و تحول شخصیت اثر می‌گذارد؟

- سازه‌های معنوی شکل‌دهنده یا تثبیت‌گر شخصیت کدامند؟

- چگونه شخصیت در کودکی زمینه‌سازی می‌شود؟

- اثر وراثت بر شخصیت (اصلاب و اعقاب) چگونه در منابع دینی تبیین می‌شود؟

- آیا در شخصیت رگه‌هایی وجود دارد که مانع یا موجب تحول و تعالی معنوی شخصیت شود؟

- چگونه تعالی شخصیت که در منابع علمی مورد غفلت است، در منابع دینی صورت

می‌گیرد؟ و آیا به‌طور کلی جایگاهی در تحول شخصیت دارد؟

- دینداری و ایمان مذهبی (پایبندی) چه تأثیری بر ثبات و تحول شخصیت دارد؟

- آیا دین و معنویت پیرو ساخت‌های تحول و شخصیت است یا برعکس؟

- و

اینها و ده‌ها پرسش دیگر می‌تواند زمینه پژوهش‌های بومی را فراهم کند، ولی پرسشی که احتمالاً دید انتقادی را به یافته‌های روان‌شناختی حساس می‌کند، این است که چگونه داده‌های روان‌شناختی در مورد انسان نمی‌تواند به دیدگاهی واحد و جامع دست یابد؟

چه بسا پاسخ به این پرسش به نگاه تقلیلی‌نگرانه علمی برگردد و یا به فقدان دیدگاهی جامع در مورد انسان مربوط شود، ولی اگر این فرض را بپذیریم که خداوند تنها روان‌شناس واقعی انسان است و ما به خدا و نظام تدبیری‌اش ایمان داشته باشیم، انسان بدون خدا همواره تصویری ناقص برای مطالعه در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد؛ مگر اینکه مبدأ و معاد انسان را از حوزه ادارکی او حذف کنیم. تلاش‌های اخیر برای نگاه به انسان با مبدأ و معاد واحد نتایج مثبتی را در سطح به کار بسته به دنبال داشته است. این نگاه ما را مجاز می‌کند که عقل تجربی را با عقل کل جهان پیوند زنیم و نگاهی کامل‌تر و جامع‌تر از انسان را در پیش روی خود ببینیم. از آنجا که موضوع این کتاب پرداختن به شخصیت در چارچوب نظریه صفات است، اشاره به برخی پژوهش‌های بومی شاید محرک خوبی برای دانش پژوهان عزیز کشورمان باشد. شجاعی، جان‌بزرگی، عسکری، غروی و پسندیده (۱۳۹۳الف)، انواع الگوهای طبقه‌بندی صفات در منابع اسلامی را ترسیم کرده‌اند. در این پژوهش مشخص شده است که صفات و رگه‌های شخصیت از دیرباز در هسته نظریه‌های اخلاقی رفتار حضور داشته‌اند و نیز در آیات و روایات برای توصیف شخصیت افراد از رگه‌ها و صفات آنها استفاده شده است. برای تبیین و طبقه‌بندی صفات الگوهای زیادی وجود دارد که برخی از آنها شامل الگوی مفهومی، ارتباطی یا تعاملی، دوقطبی، سه قطبی، سلسله‌مراتبی و شبکه‌ای است که الگوی شبکه‌ای در این مطالعات از کارآمدی بیشتری برخوردار است. در الگوی شبکه‌ای صفات به شکلی پویا در نظر گرفته می‌شوند که در یک شبکه مفهومی پیچیده ایفای نقش می‌کنند. همین گروه پژوهشی (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۳ب)، به کار تحلیل معنایی صفات شخصیت در منابع اسلامی ادامه داده و نظریه حوزه معنایی در مطالعه شخصیت را تصریح کرده‌اند. در این پژوهش مشخص می‌شود که برای فهم دقیق شخصیت در منابع اسلامی می‌بایست روابط مفهومی صفات شخصیت را در مد نظر قرار دهیم و این روابط می‌توانند به شکل‌های مختلفی از جمله روابط عرضی، طولی و شمول معنایی یا تحلیل مؤلفه‌ای و جزآن، مفهوم‌پردازی و از ابزار سنجش شخصیت برای دسته‌بندی و آماده‌سازی استفاده شود. شجاعی (۱۳۹۴) با استفاده از تحلیل عاملی پس از ساختن ابزاری برای سنجش شخصیت، آن را با آزمون‌های شانزده‌عاملی شخصیت کتل و آزمون پنج‌عاملی نئو مقایسه کرد. در این پژوهش او به پانزده عامل شخصیتی که در تحلیل‌های مرتبه دوم به یک عامل اساسی شخصیت یعنی «شاکله» دست یافت. این تلاش‌ها نشان می‌دهد امکان دستیابی به چارچوبی از شخصیت براساس الگویی و حیانی با دید گسترده‌تری نسبت به انسان وجود دارد.

فراهانی (۱۳۸۸)، پس از سال‌ها پژوهش درباره عوامل شخصیت به پنج صفت شخصیتی بزرگ در ایرانیان پی برد. او و همکارانش، پس از مطالعه فرهنگ و ادبیات ایرانی و استخراج صفات، تحلیل آنها و ساخت آزمون به این صفات دست یافتند که عبارت از «گشودگی»، «روان‌جورخویی یا روان‌آزرده‌خویی»، «درون‌گرایی - برون‌گرایی»، «وجدان و دینداری»، «نرم‌خویی یا سازگاری» با کلمه مخفف «گردون» می‌باشد. چنانچه مشخص می‌شود، این تلاش‌ها با کوشش‌های صاحبان این اثر ترجمه‌شده، هماهنگ است. جان‌بزرگی (۱۳۹۵) با تحلیل مفاهیم قرآنی درباره سازه‌های شخصیت به ساخت‌هایی برای تبیین شخصیت به نحوی که بتوان مسیر سلامت و بیماری انسان را تبیین کرد، دست یافت. در این پژوهش که از نظر بالینی هنوز ادامه دارد، عقل به عنوان سازه هسته‌ای شخصیت معرفی می‌شود که سازه‌ای فطری و نهادی از جانب خداوند است و تا حد زیادی مسئولیت ثبات‌بخشی به شخصیت را بر عهده دارد. با وجود دو مکانیزم اصلی شناخت و مهار برای عقل، شاید تمام ویژگی‌های شخصیت به نوعی تحت تأثیر این دو مکانیزم در مسیر سلامت یا اختلال استقرار یابند. غلبه رگه‌های غیرعقلانی بر شخصیت به نوعی اشاره به تسلط نیروهای ضد عقل بر نظام روان‌شناختی انسان دارد که تا اندازه‌ای سازه‌های دیگری مانند قلب و صدر را از انسجام و همسویی با عقل بازمی‌دارند؛ این تسلط بیش از آن چیزی است که در اراده و اختیار انسان قرار دارد.

به‌طور کلی، نادیده‌انگاری حوزه‌های ادراکی مبدأ و معاد در تبیین شخصیت سبب شده است که هر گونه تحلیلی از شخصیت نتواند به نیازمندی‌های مربوط به حوزه شخصیت پاسخ بدهد. کتاب شخصیت در بزرگسالی در یازده فصل به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که مفاهیم نظری و پژوهش‌های بین‌المللی را پوشش داده و خواننده در هر فصل بخش مهمی از مفهوم شخصیت در بزرگسالی را با مطالعه درک می‌کند. موضوعات فصل‌ها برای مباحثه دانشجویان در سطح کارشناسی ارشد و دکتری و وارد کردن مباحث بومی به آنها بسیار مناسب است و به آنها کمک می‌کند تا تصویر روشنی از شخصیت، تحول آن، و تحلیل و تفسیر یافته آن پیدا کنند. در پیوست کتاب، فرم کوتاه و بلند آزمون پنج‌عاملی نیز آمده است تا دانشجویان همزمان با مطالعه نظری به این آزمون هم دسترسی داشته باشند.

از آنجا که دسترسی دانشجویان و پژوهشگران به کتاب‌های اصلی نویسندگان بزرگ ارزشمند است و دانش پایه دانشجویان را تقویت می‌کند؛ با توجه به طولانی شدن زمان ترجمه، پیگیری‌ها نشان داد که این کتاب تاکنون تجدید چاپ نشده و می‌تواند در این امر یاری‌رسان علاقه‌مندان

باشد. در نهایت لازم می‌دانیم از دانشجویان دوره دوم دکتری پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که زمینه‌ساز ترجمه این کتاب شدند، جناب استاد رحمت‌الله نورانی‌پور که ویراستاری علمی کتاب را پذیرفتند، سرکار خانم دکتر عطری‌فرد که بازخوانی نهایی را بر عهده داشتند، سپاسگزاری کنیم. همچنین از مسئولان و همکاران در پژوهشگاه، به‌ویژه آیت‌الله سیدمحمد غروی‌راد که مدیریت گروه روان‌شناسی را بر عهده دارند و مشوق توانمندی در توسعه روان‌شناسی علمی و دینی هستند، تشکر و قدردانی می‌کنیم.

دکتر مسعود جان‌بزرگی و دکتر مبین صالحی

مقدمه مؤلفان

در دهه ۱۹۷۰ چندین مطالعه طولی بزرگ درباره شخصیت انجام و منتشر شد که برای نخستین بار، پایه علمی محکمی برای ارزشیابی نظریه‌های شخصیت و سالمندی فراهم کرد. تقریباً شگفت‌انگیز بود که تمام این مطالعات، درجه زیادی از ثبات را نشان دادند: شخصیت ظاهراً، بعد از سی سالگی در بیشتر افراد، تغییر کمی می‌کند. چندین سال بعد از ارزیابی تفاسیرمان از داده‌ها و کار بر روی بعضی معانی ضمنی برای روان‌شناسی شخصیت و در درک زندگی بزرگسالی، کتاب کوچکی را در مورد این موضوع منتشر کردیم (مک کری و کاستا، ۱۹۸۴).

چند سال پس از آن، چندین مطالعه طولی گزارش کردند که به‌طور کلی، یافته‌های اولیه، تأیید شدند. ولی تحول اصلی دهه ۱۹۸۰، کشف مدل پنج‌عاملی بزرگ (FFM) و نشان دادن این بود که واقعاً الگوی جامعی از ساختار رگه‌های شخصیت وجود دارد که شامل تقریباً تمام رگه‌هایی می‌شود که به زبان مشترک و در قالب نظریه‌های علمی شناسایی شده بودند. احتمالاً چنین چیزی مهم‌ترین پیشرفت روان‌شناسی شخصیت مدرن بود، زیرا به رقابت بی‌ثمر بین الگوهای رقیب در مورد رگه‌ها که چندین دهه مطرح شده بودند، پایان داد و فرصت مطرح شدن رویکرد نظامداری برای مطالعه شخصیت را فراهم کرد. ما نسخه جدیدی از کتابمان را در ۱۹۹۰ ارائه کردیم که FFM و معانی ضمنی آن را برای مطالعه سالمندی توصیف کرده است. نسخه کنونی کتاب ما، «شخصیت در بزرگسالی» است که پیشرفت‌هایی را در طول چندین دهه گذشته گزارش می‌کند. در آخرین ویرایش، سه تغییر قابل ملاحظه انجام شده است.

نخست، پژوهش‌های مفصلی در نمونه‌های بزرگ، ادعاهای اولیه ما درباره ثبات را ممکن (و ضروری) ساخته و وصف کرده است. اگرچه خط اصلی این است که رگه‌های شخصیت در بزرگسالی، بعد از سن سی سالگی ثبات دارند، ولی مشخص است که استثنائات و قیودی هم

وجود دارد: افول کم و تکراری در بعضی رگه‌ها، تغییرات عمده در بعضی افراد (مانند افراد مبتلا به آلزایمر)، و زوال ثبات تفاوت‌های فردی در دوره‌های طولانی زمان.

دومین تغییر اصلی که در فصل پنجم منعکس شده، پذیرش جهانی FFM را امکان‌پذیر ساخته است. ترجمه‌های نسخه تجدید نظرشده سیاهه شخصیتی نئو به چهل زبان، پرداختن به سؤالاتی درباره قابلیت تعمیم‌پذیری بین فرهنگی مسیرهای تحولی را ممکن ساخته‌اند. اگرچه، تاکنون تنها مطالعات مقطعی گزارش شده است، ولی به درک زیاد ما از ثبات شخصیت و تغییر کمک می‌کند.

سرانجام اینکه، فصل دهم پیشرفت مفهومی را گزارش می‌کند. نظریه پنج‌عاملی (FFT)، توصیفی از سیستم شخصیت است که صفاتی را در گستره وسیع‌تری از شخص و دنیا فرض می‌کند. نخست برای توضیح چگونگی ثبات رگه‌ها، همراه با سازگاری افراد با تغییر دنیا، FFT با شواهد ژنتیک رفتاری، تطبیقی و بین فرهنگی، حمایت می‌شود. در آخرین فصل، مفاهیمی از نظریه برای ساختار دادن به بحث آثار شخصیت بر جریان زندگی و خودپنداشت استفاده می‌شود. عنوان این ویرایش، اهمیتی را که ما به دیدگاه نظری اختصاص می‌دهیم، نشان می‌دهد. اگرچه پیام اصلی در کتاب ما باقی مانده است، ولی ارزش یافته‌ها و تفاسیر جدید، از زمانی که برای نخستین بار چاپ شده، آشکار شده است. امیدواریم که ویرایش تجدید نظر شده، پیشرفتی را در این زمینه نشان دهد.

فصل اول

حقیقت‌ها و نظریه‌های تحول بزرگسالی

برای لحظه‌ای فرض کنید که مردم برای نگاهی کوتاه به آینده زندگی خود مانند یک فالگیر، با روان‌شناسان تحولی گستره زندگی^۱ مشاوره می‌کنند. ما به آنها درباره اینکه در آینده (سن بالاتر) باید در انتظار چه چیزی باشند، چه خواهیم گفت؟ آیا بحران‌هایی قابل پیش‌بینی پیش رو دارند؟ آیا احتمال رشد و پختگی (عقلانیت)^۲ آنها تداوم دارد یا اینکه همه چیز از این پس به افول می‌رود؟ آیا طبایع و سرشت، همان‌گونه که هست باقی خواهند ماند یا اینکه شرایط درونی قابل ظهور یا شرایط متغیر بیرونی (مانند جنگ‌ها، بیماری یا نوآوری‌های تکنولوژیک) از نوشتن شخصیت‌های موجود را شکل دهی می‌کنند؟ آیا زوج‌های ازدواج کرده با گذشت سال‌ها از هم دور می‌شوند یا اینکه همان‌گونه که گاهی از نظر ظاهری به هم شبیه می‌شوند، از لحاظ شخصیتی نیز به همدیگر شباهت پیدا می‌کنند؟

اگر از ما بخواهند که این نوع پیش‌بینی‌ها را برای افراد انجام دهیم، ما از پاسخ دادن طفره می‌رویم و درست هم همین است. به نظر ما بررسی علمی بزرگسالی نوپاست و شناخت قطعی در این باره اندک است. تنها در سه دهه گذشته تعداد قابل توجهی از پژوهشگران در این حوزه فعال بوده و آنها نیز بیشتر در طرح پرسش‌های مفید موفق بوده‌اند، نه اینکه پاسخ‌های روشن به پرسش‌ها بدهند. ما همچنین تأکید داریم که علم با تعمیم‌ها^۳ و نه با تخصیص‌ها^۴ سروکار دارد. برای نمونه متخصصان همه‌گیرشناسی می‌توانند به ما میانگین امید زندگی مردان یا زنان و برخی از عوامل تأثیرگذار بر طول عمر (مانند ورزش و سیگار کشیدن) را بگویند، اما مطمئناً نمی‌توانند سن دقیق مرگ را برای هر شخص خاص پیش‌بینی کنند. افراد بسیار زیادی سیگار و مشروب

1. lifespan developmental psychologists

2. to mature

3. generalizations

4. specifics

مصرف می‌کنند و تا نودسالگی زنده می‌مانند و ورزشکاران بسیار زیادی در جوانی می‌میرند، پس چیزی برای گفتن جز احتمال وجود ندارد.

اما افراد، این گفته‌ها را به صورت قطعی و مسلّم درباره خودشان به کار می‌برند. وقتی گیل شیهی^۱ کتاب گذرها^۲ (۱۹۷۶) و بعدها کتاب گذرهای جدید (۱۹۹۶) را منتشر کرد؛ میلیون‌ها نفر کتاب را نه به سبب کنجکاوی بی‌طرفانه درباره تحول انسان و نه به دلیل سبک نثر (حقیقتاً جذاب) او که مورد تحسین آنها بود، خواندند. مردم کتاب گذرها را خواندند، زیرا می‌خواستند از زندگی گذشته، حال یا آینده خود سر دریاورند. خلاصه، موضوع این کتاب برای بیشتر خوانندگان احتمالاً هم علاقه‌ای علمی (آکادمیک) و هم علاقه‌ای شخصی را برمی‌انگیزاند و رویکرد ما هم باید این واقعیت را مورد توجه قرار دهد. ما با آگاهی کامل از اینکه یک بحث خاص برای بسیاری از افراد جذاب نخواهد بود، بدان می‌پردازیم. از این‌رو تلاش خواهیم کرد استدلال‌های مخالف را پیش‌بینی کنیم و به‌طور کلی رویکردی را اتخاذ کنیم که سالواتور مدی^۳ (۱۹۷۶) آن را به عنوان «اشتیاق جانبدارانه» و نه «التقاطی‌نگری خیراندیشانه»، توصیف می‌کند تا اینکه روایت روشنی از نظریات خودمان ارائه کنیم (ص ۲). ما معتقدیم که می‌توانیم بدون قربانی کردن عینیت علمی، به آن هدف برسیم و امیدواریم که مطالب ارائه‌شده ما موجب برانگیختن بحث‌هایی زنده و پژوهش‌هایی در آینده شود.

نخستین نسخه این کتاب (مک‌کری و کاستا،^۴ ۱۹۸۴) موضعی ساده اما رادیکال داشت: ما بیان کردیم که شخصیت در بزرگسالی ثابت است؛ یعنی رگه‌هایی^۵ که شخص در سالیانگی نشان می‌دهد، اساساً تا سن پیری بدون تغییر باقی می‌ماند. در حال حاضر، اطلاعات بسیار بیشتری درباره مطالعات طولی، مقطعی^۶ و میان‌فرهنگی وجود دارد و بحث‌ها دقیق‌تر شده‌اند. مطالعات جدیدتر تأیید می‌کنند که ثبات، ویژگی غالب شخصیت در بزرگسالی است، اما همچنین به تغییرات قابل پیش‌بینی در سنین خاص و در افرادی ویژه به‌طور مستند اشاره می‌کنند. پس داستان کمی جالب‌تر شده است.

برخی از خوانندگان احتمالاً پیش‌زمینه‌ای قوی در روان‌شناسی شخصیت دارند، ولی از دانش کمتری درباره پیری‌شناسی برخوردارند؛ برخی نیز برعکس. تلاش ما این است که با مرور برخی

1. Gail Sheehy

2. *Passages*

3. Salvatore Maddi

4. McCrae & Costa

5. traits

6. cross-sectional

از اصول اساسی هر رشته، هر دو گروه را در نظر گیریم. اگرچه نتایج ما از داده‌ها به دست می‌آیند و پژوهش ما کاملاً متناسب با سنت تجربه‌گرایی کمی است، اما خواننده را زیر فشار جزئیات فنی زیاد درباره مطالعاتی که بحث می‌کنیم، قرار نخواهیم داد؛ در این باره می‌توان به ادبیات پژوهشی مورد اشاره رجوع کرد. با این حال، زمان قابل توجهی را صرف منطق پژوهش می‌کنیم؛ به‌ویژه صرف اینکه چگونه پرسش‌های علمی باید مطرح شوند و چگونه ابزارها، نمونه‌ها یا تحلیل‌های خاص می‌توانند برای پاسخ به آنها مورد استفاده قرار گیرند. از آنجا که سالمندی^۱ حوزه نسبتاً جدیدی است^۲ و روان‌شناسی شخصیت بحث‌انگیز است، مسائل زیادی برای پرداختن به آن وجود دارد. ما به مشکلات تمایز میان سالمندی از تولیدمثل و زمان اندازه‌گیری^۳ اثرها، روایی^۴ روش‌های ارزیابی خودگزارش‌دهی،^۵ کفایت نظریه رگه‌های شخصیت^۶ و مزایا و خطرات استفاده از مصاحبه به عنوان منبع داده‌ها درباره شخصیت را توجه می‌کنیم. ما در هر گام تلاش خواهیم کرد تا با در نظر گرفتن نقاط قوت و محدودیت‌های شواهد به ارزیابی شواهد و مدارک بپردازیم. ما می‌توانیم نقطه‌نظر خود را در چند بند بیان کنیم، اما برای بررسی نقادانه آن به کل کتاب نیاز داریم. در بیست سال گذشته، علم شخصیت تغییرات چشمگیری داشته است. روان‌شناسی رگه‌ها^۷ که در دهه ۱۹۷۰ بیشتر قدیمی شده تلقی می‌شد، با تمام نیرو بازگشته و هم‌اکنون الگوی غالب در روان‌شناسی شخصیت است. اکنون ما درباره ریشه‌ها و تأثیرات رگه‌ها، خیلی بیشتر از پیش اطلاع داریم؛ ادراکی جدید که به‌طور عمیقی با بررسی‌های ما درباره تحول گستره زندگی در هم تنیده است. احتمالاً ما در حال حاضر گستره رگه‌های شخصیت را می‌شناسیم. الگوی پنج‌عاملی^۸ (FFM؛ دیگمن، ۱۹۹۹؛ مک‌کری و جان، ۱۹۹۲)، به‌طور گسترده به عنوان یک طبقه‌بندی کارآمد از رگه‌های شخصیت پذیرفته شده است و در حال حاضر، مرور پیشینه پژوهشی، معمولاً، براساس طبقه‌بندی اندازه‌گیری‌ها در راستای این پنج عامل سازمان‌دهی شده است. این عوامل، یعنی روان‌آزرده‌خویی،^۹ برون‌گرایی،^{۱۰} گشودگی،^{۱۱} توافق‌پذیری^{۱۲} و

1. aging

۲. منظور از اصطلاح سالمندی در این کتاب، بررسی تأثیرات بالا رفتن سن بر شخصیت است (مترجم).

3. time-of-measurement effects

4. validity

5. self-report

6. trait theory of personality

7. trait psychology

8. five-factor model

9. neuroticism

10. extraversion

11. openness

12. agreeableness

باوجدان بودن^۱ در سرتاسر این کتاب تکرار می‌شوند و همان‌گونه که ملاحظه خواهیم کرد، اینها خصلت‌های^۲ بنیادینی هستند که در طول بزرگسالی پایدار هستند و به شکل‌گیری زندگی‌های در حال ظهور کمک می‌کنند. این عوامل و برخی از رگه‌های نمونه که معرف آنها هستند، در جدول شماره ۱ فهرست شده است.

جدول ۱. الگوی پنج‌عاملی شخصیت

روان‌آورده‌خوبی	توافق‌پذیری
آرام - نگران	بی‌رحم - دل‌رحم
معتدل - دمدمی مزاج	بدگمان - اعتمادکننده
خود - رضامند - خود - نارضامند (خودخور)	خسیس - بخشنده
آسوده - دلمشغول	متعارض - مطیع
بی‌هیجان - هیجانی	خرده‌گیر - آسان‌گیر
سرسخت - آسیب‌پذیر	مهربان - تندخو
برون‌گرایی	باوجدان بودن
تودار - بامحبت	اهمال‌کار - وظیفه‌شناس
تنهایی‌گزین - پیوندجو	تنبل - سخت‌کوش
ساکت - پر حرف	بی‌نظم و سازمان - سازمان‌یافته
منفعل - فعال	اهل تأخیر - وقت‌شناس
متین - خوشگذران	بی‌هدف - بلندپرواز
بی‌احساس - احساساتی	اهل تسلیم - ثابت‌قدم
گشودگی نسبت به تجربه	
واقع‌بین - خیال‌پرداز	
غیرخلاق - خلاق	
سنت‌گرا - نوآور	
اهل روال عادی - اهل تنوع	
غیرکنجکاو - کنجکاو	
محافظه‌کار - آزادی‌خواه	

توجه: برگرفته از: کاستا و مک‌کری (۱۹۸۶).

۱-۱. تغییر عقیده درباره ثبات شخصیت

در آغاز زمانی که روان‌شناسان از خود سؤال کردند که برای شخصیت در گستره زندگی چه اتفاقاتی می‌افتد، مطالب زیادی برای گفتن درباره نوباوگی، کودکی و نوجوانی به دست آوردند، ولی فرض بیشتر بر این بود که بزرگسالی نقطه پایانی تحول شخصیت است (براساس فرهنگ لغت، بزرگسال^۱ کسی است که به تحول کامل رسیده باشد). ویلیام جیمز^۲ (۱۸۹۰) در اظهار نظری که هم‌اکنون نیز مشهور است، مدعی شد که ویژگی^۳ تا ۳۰ سالگی «مانند گچ بسته می‌شود». زیگموند فروید کتاب‌هایی درباره چند سال اول زندگی نوشت، اما تقریباً هیچ چیزی درباره سال‌های بعد اظهار نکرد؛ بدون تردید این سال‌ها نقش عمده‌ای در نظریه شخصیت او نداشتند. به موازات شکل‌های دیگر تحول به‌روشنی به نظر می‌رسد که تا ۲۰ سالگی بیشتر مردان و زنان به رشد کامل قد خود رسیده‌اند. هرچند ممکن است تا چند سال بعد اندکی دیگر اضافه شود اما بلندقد همان بلندقد و کوتاه‌قد همان کوتاه می‌ماند. بدین ترتیب همین مطلب درباره برخی از انواع هوش نیز درست است؛ چرا ما باید انتظار متفاوتی درباره هیجان‌پذیری، گرمی یا فروتنی داشته باشیم؟

از این‌رو، جسارت عقلی بالایی لازم بود که کسی امکان تداوم تحول روانی و شخصیت را در سراسر زندگی طرح کند و یکی از بی‌باک‌ترین اندیشمندان تاریخ، کارل جی یونگ^۴، از نخستین کسانی بود که این گام را برداشت. فصلی او با عنوان «مراحل زندگی» در کتاب انسان عصر جدید در جستجوی روح^۵ نگاشت (یونگ، ۱۹۳۳)، از بسیاری اندیشه‌های محوری تفکر پیری‌شناسانه، از جمله منحنی زندگی (بوهرلر،^۶ ۱۹۳۵)، ظهور سرکوب‌شدگی‌ها^۷ (لوینسون، درو، کلاین، لوینسون و مک‌کی،^۸ ۱۹۷۸)، زنانه شدن مردان و مردانه شدن زنان (گاتمن،^۹ ۱۹۷۰)، نظریه گسستگی^{۱۰} (کامینگ و هنری،^{۱۱} ۱۹۶۱) و بحران میانسالی (ژاکو،^{۱۲} ۱۹۶۵) از پیش خبر داد.

1. adult

3. character

5. *Modern Man in Search of a Soul*

7. the repressed

9. Gutmann

11. Cumming & Henry

2. William James

4. Carl G. Jung

6. Bühler

8. Levinson, Darrow, Klein, Levinson & McKee

10. disengagement theory

12. Jacques

اریک اریکسون^۱ (۱۹۵۰) عقیده استادانه و نظام‌مندتری را ارائه کرد که مراحل تحول روانی اجتماعی را به موازات مراحل تحول روانی جنسی فروید مطرح نمود و سپس آنها را فراتر از نوجوانی و در طول بقیه سال‌های زندگی گسترش داد.

چند دهه بعد، شاهد آغاز پژوهش تجربی درباره سالمندی و شخصیت بودیم که برخی از آنها توسط نظریه‌های اریکسون یا یونگ هدایت شدند و خیلی از آنها در پی رویکردهای نظری جدید بودند (جی. بلاک،^۲ ۱۹۷۱؛ باتلر،^۳ ۱۹۶۳؛ لونتال، ترنر و چیریوگا،^۴ ۱۹۷۵؛ ماس و کیپر،^۵ ۱۹۷۴؛ نیوگارتن،^۶ ۱۹۶۴؛ ریچارد، لیوسون و پترسون،^۷ ۱۹۶۲). در اواخر دهه ۱۹۷۰، نسل جدیدی از نظریه‌های تحول بزرگسالی پدیدار شد (گولد،^۸ ۱۹۷۸؛ لوینسون و همکاران، ۱۹۷۸؛ وایلنت،^۹ ۱۹۷۷)، کتاب گذرها (شیهی، ۱۹۷۶)، جزء کتاب‌های اصلی پرفروش شد و مطبوعات عمومی به برجسته‌سازی داستان‌هایی درباره بحران‌های بزرگسالی، به‌ویژه بحران میانسالی پرداختند.

همچنین در طول دهه ۱۹۷۰، برنامه‌های دوره کارشناسی و تحصیلات تکمیلی در مورد تحول انسان و پیری‌شناسی افزایش یافت. بیشتر این برنامه‌ها، آشکارا میان‌رشته‌ای بودند و به بررسی جنبه‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، زیست‌شناسی و اقتصادی سالمندی می‌پرداختند. نظریه‌های مرحله‌ای تحول بزرگسالی، کاربردی قدرتمند در یکپارچه کردن این مطالب متنوع داشتند: تغییرات قابل پیش‌بینی در شخصیت می‌تواند فرد را برای انتقال‌های اجتماعی و تغییرات اقتصادی در زندگی بزرگسالی آماده کند.

همه این تحولات خردمندانه با روح زمانه^{۱۰} هماهنگ بودند. در دهه ۱۹۵۰، توجه‌ها به کودکان و در دهه ۱۹۶۰ بر جوانان جلب شد. هنگامی که سن متولدان دوره افزایش زاد و ولد^{۱۱} از ۳۰ سالگی گذشت، به نظر می‌رسید هنوز زندگی آنها در کانون توجه و علاقه فرهنگ قرار داشت. روان‌شناسی انسان‌گرا نوید رشد و تحول شخصی را می‌داد و نظریه‌های مراحل زندگی به نظر می‌آمد که نیاز خاصی را برآورده می‌سازند. مشکلات شخصی را می‌توان به تغییرات تحولی

1. Erik Erikson

2. J. Block

3. Butler

4. Lowenthal, Thurner & Chiriboga

5. Maas & Kuypers

6. Neugarten

7. Reichard, Livson & Peterson

8. Gould

9. Vaillant

10. zeitgeist

۱۱. سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۵ که نرخ تولد در ایالات متحده به شدت افزایش یافت (مترجم).

همگانی نسبت داد؛ بحران‌های قابل پیش‌بینی، هم موجب احساس امنیت و هم چاشنی زندگی بزرگسالانه هستند.

همزمان با «خاکستری شدن آمریکا»^۱ دوره‌ی مشابهی مشاهده شد؛ یعنی افزایش چشمگیر نسبت مردان و زنان بالای ۶۵ سال و همراه با آن، افزایش آگاهی آنها از قدرت اقتصادی و سیاسی‌شان. افراد سالخورده توجه دانشگاهیان را جلب کردند و آنها را به چالش طلبیدند. تحول شخصیت، موضوع جذاب دیگری را که شناخت بود، برای پژوهش ارائه کرد که اگرچه افول آن اجتناب‌ناپذیر نیست، اما قاعده‌ای کلی بود (آرنبرگ و روبرستون - چابو،^۲ ۱۹۷۷؛ سالت‌هاوس،^۳ ۱۹۸۹).

خود - تصحیح‌گری، طبیعت علم است. نه تنها ایده‌های علمی به تولید نظریه‌های تحول بزرگسالی انجامید، بلکه مولد پژوهش نیز در این زمینه شدند. به جای صحبت درباره آنچه که ممکن است باشد یا درباره آنچه که می‌خواهیم باشد، می‌توانیم از کوشش‌های پژوهشی چهل سال گذشته بهره ببریم تا آنچه را که واقعاً در جریان است، ملاحظه کنیم. اکنون بیش از پیش معتقدیم که یافته‌ها در قالب الگویی در هم می‌آمیزند و به یک الگوی باثبات مسلط تبدیل می‌شوند (کاستا و مک‌کری، ۱۹۸۰ ج). مدوکس^۴ (۱۹۶۸) نشان داد افراد سالخورده‌ای که خیلی خوب سازگار شده‌اند، فعال باقی می‌مانند. هاویگ هرست، مک‌دانلد، مک‌کالن و میزل^۵ (۱۹۷۹) که مشاغل تخصصی را مطالعه می‌کردند، «نظریه تداوم»^۶ را فرمول‌بندی کردند. نیوگارتن (۱۹۸۲) برای توضیح این واقعیت که سن، پیش‌بینی‌کننده خیلی سودمندی برای عملکرد^۷ اجتماعی نیست، عقیده بی‌ربطی سن^۸ را مطرح کرد. همان‌طور که پس از این خواهیم دید؛ در حوزه پژوهش شخصیت، تأکید بر ثبات^۹ به وسیله کار پژوهشگرانی مانند جک بلاک (۱۹۸۱) و ایلن سی. سیگلر و همکاران به شدت حمایت شده است (ر.ک: کاستا، هرست، مک‌کری و سیگلر، ۲۰۰۰). کم‌کم روشن می‌شود که جیمز و فروید درست می‌گفتند.

اگر با افزایش سن اتفاقی نمی‌افتد، پس چه دلیلی برای نوشتن کتاب وجود دارد؟

برخی از همکاران ما در این حوزه، در این واکنش سهمیم هستند، و این امر چیزی است که ما خودمان بیشتر با آن روبه‌رو شده‌ایم. یک پاسخ متقاعد کردن مردم درباره ثبات است، تا اینکه

1. graying of America

3. Salthouse

5. Havighurst, McDonald, Maculen & Mazel

7. functioning

9. stability

2. Arenberg & Robertson-Tchabo

4. Maddox

6. continuity theory

8. age irrelevance

کسانی را که با افزایش سن در جستجوی دگرگونی جادویی هستند، از اشتباه درآوریم و یا به کسانی که می‌ترسند با دوره‌هایی از بحران و آشوب تحولی روبه‌رو شوند و بسیار ترجیح می‌دهند که کارهای زندگی‌شان را ادامه دهند، اطمینان خاطر بدهیم.

پاسخ بهتر دیگری هم وجود دارد. ما نگفته‌ایم و نخواهیم گفت که هیچ مورد روان‌شناختی مهمی در بزرگسالی رخ نخواهد داد. مردم بیشتر عمر خود را در این دوره سپری می‌کنند؛ زندگی شغلی خود را شروع می‌کنند، بچه‌هایشان را تربیت می‌کنند، می‌جنگند و صلح می‌کنند؛ موفقیت و ناامیدی، و ملال و عشق را تجربه می‌کنند. همچنین سن پیری خود سهمی از تجربه جدید و چشم‌اندازهای جدید به پیری دارد. همه اینها، داستانی جذاب برای ما ایجاد می‌کند (گالت،^۱ ۱۹۸۹). از نقطه‌نظر ما از این هم جذاب‌تر است زیرا یکی از کلیدهای این داستان، شخصیت فردی است. افراد بر خصلت‌های بنیادین خود، بسیار ماندگارند؛ اما این رگه‌های پایدار، آنها را به زندگی خاص و همواره متغیری سوق می‌دهد.

۲-۱. در جستجوی یک پدیده

بیشتر علوم با بررسی یک پدیده^۲ آغاز می‌کنند و پس از آن در تبیین آن می‌کوشند. ستاره‌شناسی نتیجه تلاش‌هایی برای بیان علت تغییرات منظم مشاهده شده در ماه و ستاره‌ها است. زیست‌شناسی می‌کوشد تا تبیین کند چگونه گونه‌های متفاوت گیاهان و جانوران به وجود آمده‌اند و چگونه به‌طور متفاوتی با محیط زندگی‌شان سازگار می‌شوند. مردم‌شناسی فرهنگی تلاش می‌کند تا رسوم گیج‌کننده جوامع بدوی را تبیین کند، درست مانند روان‌شناسی افراد نابهنجار که براساس مشاهده رفتار عجیب و غریب بیماران روانی شکل می‌گیرد؛ اما اگر پرسیم دانشجویان حوزه شخصیت و سالمندی در تبیین چه چیزی تلاش دارند، احتمالاً نتیجه‌ای نمی‌گیریم. به نظر می‌رسد حوزه تحول شخصیت بزرگسالی، به عنوان یک فکر ثانوی پدیدار گردیده که به‌نوعی گسترش منطقی دیگر شاخه‌های بررسی و مطالعه به حساب می‌آید.

برخی از پژوهشگران با پیری‌شناسی (مطالعه سالمندی) به آن رسیده‌اند. ما می‌دانیم که با سالمندی تغییرات عمده‌ای در فیزیولوژی بدن رخ می‌دهد و این باور رایج که افراد پیر کم‌کم حافظه خود را از دست می‌دهند، از جانب مطالعات طولی کنترل‌شده تأیید شده است که افول در برخی توانایی‌های شناختی، ولی نه همه آنها را نشان می‌دهند (سالت‌هاوس، ۱۹۸۹). به

1. Gullette

2. phenomenon

همین قیاس، برخی از پژوهشگران درباره شخصیت متحیر شده‌اند؛ آیا با سالمندی تغییرات زیادی در شخصیت رخ می‌دهد؟ آیا در عملکرد هیجانی و اجتماعی، زوال تدریجی وجود دارد؟ آیا افراد مسن‌تر، همانند بیماری جسمانی، به شکل فزاینده‌ای مستعد بیماری روانی هم می‌شوند؟ پژوهشگرانی که به عنوان دانشجویان شخصیت کارشان را شروع کردند، تا اندازه‌ای مبنای متفاوتی برای پرسش‌هایشان داشتند. ما می‌دانیم که در کودکی و نوجوانی، تغییراتی در شخصیت رخ می‌دهد. نوزادان در حدود ۳۰ روزگی، از نظر هیجانی نسبت به چهره‌های آشنا پاسخگو می‌شوند؛ در ۸ ماهگی ممکن است وقتی از والدینشان دور می‌شوند، دچار اضطراب جدایی شوند. کودکی میانه در بیشتر کودکان، دوره پیروی کردن است؛ نوجوانی معمولاً دوره سرکشی و ناآرامی به شمار می‌آید (آرنت، ۱۹۹۹). داده‌ها نشان می‌دهد که حرمت خود معمولاً در این دوره پایین است و هرچه افراد به جوانی نزدیک می‌شوند، افزایش می‌یابد (بکمن، اومالی و جانستون، ۱۹۷۸). به نظر می‌رسد بی‌باکی و هیجان‌خواهی^۳ نیز پس از نوجوانی کاهش یابد (زاکرم، ۱۹۷۹).

این تغییرات قابل مشاهده به نظریه‌های رشد و تحول شخصیت کودک می‌انجامد که از آن میان، نظریه فروید از نظر تاریخی از همه تأثیرگذارتر است. روان‌شناسانی که در این مکتب آموزش دیده‌اند، این پرسش را مطرح کرده‌اند که آیا انواع مشابهی از تغییرات رشدی و تحولی در بزرگسالی رخ می‌دهد؟ اگر مراحل دهانی، مقعدی و احلیلی در کودکی وجود دارد، چرا نباید مراحل بعدی رشد و تحول روانی جنسی برای بزرگسالان وجود داشته باشد؟ این پژوهش، به همین قیاس یا فراتر از آن در بالاترین جایگاه سنت علمی قرار دارد. فیزیک‌دانان در جستجوی ذرات وابسته به ذرات بنیادی اتم هستند و یافته‌اند که این ذرات از برخی جهات هم‌تای ذرات شناخته‌شده هستند. روان‌شناسی شناختی از الگوی رایانه‌ای بهره برده است. این روش، بیشتر به ما در تمرکز دوباره بر دیدگاهمان کمک می‌کند و به ما این امکان را می‌دهد که پدیده‌هایی که هرگز پیش از این بدان‌ها توجه نکرده‌ایم و در هنگام جلب توجه آنها، به نظر بدیهی می‌رسند را ببینیم. به محض اینکه مطالعات و بررسی‌ها در مورد رشد و تحول در گستره عمر صورت بگیرد، ممکن است متقاعدکننده باشند (ما فکر می‌کنیم حتماً این‌طور است).

1. Arnett

2. Bachman, O'Malley & Johnston

3. recklessness & sensation seeking

4. Zuckerman

این حقیقت که سالمندی و شخصیت، حوزه‌ای برای جستجوی یک پدیده می‌باشد، به‌خودی‌خود پدیده جالبی است. به نظر می‌رسد این بدان معناست که تغییراتی که در شخصیت در بزرگسالی رخ می‌دهد (اگر واقعاً تغییری باشد) کمتر از کودکی چشمگیر است. تصورات قالبی درباره افراد پیر و جوان وجود دارد، اما این تصورات به میزان زیادی ناهماهنگ هستند. به نظر می‌رسد که آرمان‌گرایی تخیلی، ویژگی جوانی باشد؛ اما در مورد دون کیشوت چه می‌توان بیان کرد؟ ظاهراً سن با خود پختگی روح را به همراه می‌آورد، به جز پیرمردهای ایرادگیر.

ما موافقیم که افراد مسن، سلامت کمتری از جوان‌ها دارند و بسیاری از آنها همین‌طور که مسن‌تر می‌شوند؛ موها، دندان‌ها و شنوایی خود را از دست می‌دهند. به نظر نمی‌رسد که موافق باشیم که آنها کم و بیش مضطرب، بامحبت یا کناره‌جو می‌شوند. هدف از مطالعه و بررسی در حوزه سالمندی و شخصیت این است که به این‌گونه سؤالات پاسخ دهد.

یک تبیین احتمالی برای فقدان دانش عمومی درباره تغییر شخصیت در بزرگسالی این است که تغییراتی وجود ندارد؛ اما پیش از نتیجه‌گیری عجولانه، باید مشکلات خاص عقل سلیم^۱ در هنگام فرمول‌بندی ایده‌های سالمندی را در نظر بگیریم. برای شناسایی یک الگو، باید یک پدیده را بارها ببینیم. بخشی از آنچه که می‌بینیم، نتیجه تصادف است و بخشی حاصل یک نظم‌جویی زیربنایی، و تنها مشاهدات مکرر است که می‌تواند به ما بگوید چه چیزی کدام است. والدین بچه اول در مورد هر تغییری نگران هستند، نمی‌دانند تحول بهنجار چیست و چه چیزی ممکن است نشانه بیماری باشد، ولی تا بچه سوم یا چهارم، الگو برایشان مشخص می‌شود و مادر باتجربه به گونه‌ای یک متخصص تحول کودک عمل می‌کند.

اما عمر ما به آن اندازه طولانی نیست تا بارها تحول بزرگسالی را تجربه کنیم. ما پدر بزرگ یا مادر بزرگ خود را به عنوان افراد مسن می‌شناسیم، اما نمی‌دانیم در کودکی چگونه بودند. ما می‌توانیم پیر شدن والدینمان را ببینیم، ولی جدا ساختن ادراکات پخته خودمان از تغییرات واقعی در آنها دشوار است. البته ما می‌توانیم شاهد زندگی خودمان و زندگی دوستانمان باشیم، اما باید تا پایان عمر منتظر بمانیم تا بتوانیم از زندگی مان، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کنیم. و نیز ما در دوره خاصی از تاریخ بزرگ می‌شویم که ممکن است فراز و نشیب‌هایش و نه خود فرایند سالمندی، ما را آن‌طور که هستیم شکل داده باشد.

خلاصه اینکه، عقل سلیم دورنما یا دیدگاهی فراهم نمی‌سازد تا با آن، حقایق مرتبط با رشد

1. common sense

بزرگسالی را جز در مورد حقایقی که بسیار روشن است، به دست آوریم. زندگی‌نامه‌نویسان تاریخی که می‌توانند بین قرن‌های مختلف، مقایسه‌ای انجام دهند و مردم‌شناسانی (مایرهایف و سیمیک،^۱ ۱۹۷۸) که می‌توانند فرهنگ‌ها را مقایسه کنند، تا حدودی بینشی را در اختیار می‌گذارند. ما به عنوان روان‌شناس، رویکرد خودمان را بر این فرض استوار می‌کنیم که اندازه‌گیری علمی ویژگی‌های شخصیت افراد سالمند، می‌تواند مبنایی برای پاسخ به این پرسش فراهم آورد. حتی پژوهش‌های کمی روی نمونه‌های بزرگی از افراد که در طول دوره‌ای چندین ساله پیگیری شده‌اند، می‌توانند تغییرات بسیار ظریفی را با عینیت بالا مشخص کنند. و روان‌شناسان آن‌قدر به مسائل تحول شخصیت پرداخته‌اند که ما هم‌اکنون داده‌هایی از پیگیری افراد در طول بخش بزرگ‌تری از زندگی‌شان در اختیار داریم. این کتاب در درجه نخست و بیشتر مبتنی بر نتایج این مطالعات است. زمانی که این مطالعات را تفسیر می‌کنیم، به روشنی به این جمع‌بندی می‌رسیم که شخصیت بخشی از هسته پایدار فرد را شکل می‌دهد، که براساس آن انطباق با زندگی همواره متغیر صورت می‌گیرد. لازم است از روی صداقت، خواننده را آگاه سازیم که تفسیرهای ما مورد پذیرش همه نیست (اگرچه در حال حاضر، تفاسیر ما بسیار بیش از دفعه نخست، به صورت یک طرز فکر بسیار کلی‌تری شده‌اند). تعدادی از نظریه‌های تحول شخصیت بزرگسالی مطرح شده‌اند و بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که این نظریه‌ها، نسبت به دیدگاه ثبات، تبیین بیش‌دهنده‌تری را درباره بزرگسالی ارائه می‌کنند. شواهدی که دیدگاه ثبات بر آن مبتنی است، همانند همه شواهد تجربی در معرض تفسیرهای جایگزین است که برخی از آنها برتری یافته‌اند. به‌ویژه، همان‌گونه که به تفصیل در فصل دهم خواهیم دید، یک بخش بنیادینی هست که براساس آن، شخصیت به‌طور دقیقی در نظر گرفته می‌شود. ممکن است مشخص شود که جنبه‌هایی که ما در شخصیت بر آنها تأکید داریم، ثابت هستند در حالی که آنچه دیگران بر آن تأکید می‌کنند، متغیر است (مک‌آدام، ۱۹۹۴). موضوع تعریف و اندازه‌گیری شخصیت باید به‌طور ویژه مورد توجه قرار گیرد.

۳-۱. اشاره‌ای به روان‌درمانگری

گزارش برخی از پژوهش‌های ما در مطبوعات عمومی به صورت تیتروم منتشر شد: «شخصیت شما چیزی است که شما گرفتار آن هستید» (هیل، ۱۹۸۱). این عبارت به روشنی نشان می‌دهد که یافته‌هایی درباره ثبات شخصیت بیشتر چگونه برداشت می‌شوند و چرا اغلب آنها، عام‌پسند

نیستند. به نظر می‌رسد یافته‌های ما به عنوان سرنوشت شوم همه کسانی تلقی شود که از خودشان ناخشنود هستند؛ ولی این یافته‌ها به هیچ وجه ضرورتاً به آن معنا نیستند. ما امید داریم که در ادامه این کتاب نشان دهیم که فرایند سالمندی به خودی خود، سبب تغییرات اساسی در شخصیت نمی‌شود و اینکه بیشتر افراد، از ۳۰ تا ۸۰ سالگی از نظر برخی از جنبه‌های محوری ساخت اجتماعی و عاطفی‌شان دستخوش تغییر کمی می‌شوند. بیشتر افراد تغییر نمی‌کنند، اما این بدان معنا نیست که آنها نمی‌توانند تغییر کنند؛ بلکه این موضوع را مطرح می‌کند که تغییر به خودی خود، اتفاق نمی‌افتد و به آسانی هم رخ نمی‌دهد. روان‌درمانگری مؤثر یا تجارب مهم زندگی (مانند جنگ یا تغییر دین^۱) ممکن است ما را عمیقاً تغییر دهند، اما این تغییر معمولاً تنها زمانی رخ می‌دهد که ما آمادگی آن را داشته باشیم و مایل باشیم که برای ایجاد آن اقدام کنیم.

«روان‌درمانگری مؤثر» چیست؟ هر کدام از مکاتب اصلی درمانی می‌تواند مدعی باشد که موفق است (برای نمونه، چمبلس و اولندیک،^۲ ۲۰۰۱؛ راجرز و دیموند،^۳ ۱۹۵۴؛ استوارت،^۴ ۱۹۷۷) و پژوهش (وندن‌باس، ۱۹۸۹)، ارزشمندی روان‌درمانگری را به طور کلی تأیید می‌کند؛ اما تقریباً همه روان‌درمانگران توافق دارند که بدون تلاش‌های فشرده و معمولاً درازمدت از سوی متخصصان ماهر که شرایط بسیار خاصی را ایجاد می‌کنند، تغییر واقعی در شخصیت به هیچ وجه نتیجه‌بخش نیست. ما در ادامه به مسئله تغییر شخصیت که با مصرف داروهای درمان‌بخش مانند پروزاک^۵ همراه است، باز خواهیم گشت.

۴-۱. زمان شروع بزرگسالی

این ادعا که شخصیت در بزرگسالی ثابت است، لازم است روشن‌تر بیان شود. به هر حال، بزرگسال کیست؟ تعاریف قانونی بزرگسالی، نه تنها از نظر ایالتی، بلکه از نظر کنشی بسیار گوناگون هستند. در بسیاری از ایالت‌ها، از نظر قانونی یک زن ۱۴ ساله در سن ازدواج است و در آنجا از اعطای گواهی‌نامه رانندگی تا ۱۶ سالگی، رأی دادن تا ۱۸ سالگی و اجازه نوشیدن الکل تا ۲۱ سالگی خودداری می‌شود. شرکت‌های بیمه براساس دانش آماری از رانندگان زیر ۲۵ سال،

1. religious conversion

2. Chambless & Ollendick

3. Rogers & Dymond

4. Stuart

5. Prozac